

The Challenge Between Civil Liability of Court and Arbitrator in the Case of Referring the Dispute to Arbitrator Despite the invalidity of Arbitration Clause

Abstract

Agreement or arbitration clause is concluded to refer the present or future dispute to be settled by an arbitrator. A valid agreement causes the depriving courts of considering the case. However this agreement because lack of validity or not getting perfected, is not enforced and we ought to rely on the jurisdiction of the courts return. Sometimes court's decision on recognizing the validity of such agreement fails and leads to the reference of the dispute to mentioned arbitrator. It is clear that such act will deprive the parties from courts jurisdictions and leaves the destination of the case to an unauthorized official. Thus its sentence would be void. This process will end up to the waste of time and money of the parties. In this case, the civil liability of the court is discussed. On the other hand, the arbitrator must enjoy the right to investigate the validity of the agreement. Whether in this situation he carries on considering the dispute, in addition to causing delay to the settlement, barriers the court's jurisdiction return and makes the invalid sentence. This neglect will discuss the civil liability of court and arbitrator and their relationship.

Keywords: Arbitration Agreement, Void Agreement, Court, Civil Liability.

تقابل مسولیت مدنی دادگاه و داور در پهنه عدم اعتبار قرارداد داوری با تاکید بر رویه قضایی

سید حمید حسین نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

جمشید نور شرق^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

سید محمد حسینی^۳

حسین فرحی^۴

چکیده

قرارداد، توافق‌نامه یا بند داوری به توافقی گفته می‌شود که زمینه داوری را ایجاد می‌نماید تا برای ارجاع اختلافات فعلی یا آینده از رهگذر آن فصل خصومت صورت گیرد. وجود توافق داوری معتبر به معنای سلب صلاحیت از محاکم دادگستری در رسیدگی به آن اختلاف خاص است. اما این توافق‌نامه گاه به جهت بطلان ذاتی و یا عدم تکمیل بعدی قرارداد، قابل استناد نبوده و در قاعده عام شمول صلاحیت دادگاه را موجب می‌گردد. در مواردی دادگاه در تشخیص این اعتبار دچار اشتباه شده و موجب ارجاع اختلاف به داوری می‌شود. در حالی که شرط داوری مندرج در یک توافق بی‌اعتبار است. بدیهی است که ضمن محرومیت طرفین از حق مراجعه به دادگستری، حل اختلاف آنها را به مرجعی سپرده که فاقد صلاحیت است و بنابراین رأی وی نیز مخدوش و قابل ابطال می‌باشد. نتیجه این تسلسل باطل، اتلاف وقت و هزینه از طرفین است. در این صورت بحث مسؤلیت مدنی دادگاه مطرح می‌شود. از سوی دیگر، داور مزبور نیز باید از حق بررسی اعتبار توافق داوری برخوردار بوده و پیش از رسیدگی به اختلاف، آن را مسجل نماید. حال اگر در فرض یادشده، دچار اشتباه یا تقصیر در احراز عدم صلاحیت خود شده و به رسیدگی و صدور رأی ادامه دهد، علاوه بر اینکه همچنان مانع بازگشت صلاحیت به محاکم دادگستری بوده، رأی وی نیز بی‌اعتبار است و همین غفلت در کنار مسؤلیت دادگاه، مسأله مسؤلیت مدنی داور را نیز به میان خواهد کشید که لازم است تقابل این دو مسؤلیت تحلیل گردد.

واژگان کلیدی: نهاد داوری، بی‌اعتباری توافق داوری، دادگاه، مسؤلیت مدنی.

دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، کیش، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسول)^۲

استاد یار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۳

دانشیار واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۴

شکل‌گیری جامعه، مستلزم جمع‌انصری چند است. علاوه بر لزوم وجود انسان‌ها به عنوان یک شرط لازم، همزیستی مسالمت‌آمیز آنها نیز دیگر شرط کافی در تحقق این مفهوم می‌باشد. این مهم صرفاً با رعایت مفاهیم قراردادی نهادینه شده در جامعه محقق است. هر فردی به اقتضای تبع جستجوگر و افزون‌خواه خود همواره در پی تصاحب بخش بزرگتری از مواهب و منابع است و در این وادی، محدودیتی نمی‌شناسد. آنجاست که تعارض منافع آشکار می‌شود. پس به ناچار باید قواعدی را حاکم بر این میل سیری‌ناپذیر دانست و همگان را وادار نمود تا آزادی خود را محدود به آزادی دیگران بدانند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶). ولی گاه تعیین حد و مرز آزادی، در کشاکش ابعاد گوناگون روابط انسان‌ها، دشوار می‌نماید و عدم اصلاح آن، عاداتی خطرناک را به همراه دارد که نتیجه آن بی‌نظمی و هرج و مرج است.

بر همین مبنا دسته‌ای از قواعد فوق‌الذکر، بی‌توجه به عقل، قدرت، آگاهی و اختیار اشخاص، آنها را تکلیف به عدم ورود ضرر به جان، حیثیت و مال سایرین می‌نماید. چندان که تخطی از آن را موجب مسئولیت و حکم بر جبران آن می‌داند. اگر جنبه کیفری این مسئولیت کنار بگذاریم، نوع دیگر آن که تا حد امکان نظر به اعاده وضع به حالت سابق دارد را مسئولیت مدنی می‌نامند. با این توضیح که یکی از اصول راهبردی در این پهنه وضع قوانین و مقرراتی است که مستلزم رعایت اصول اقتصادی و مطلوبیت و کارایی مشخص می‌باشد. (صادقی، ۱۴۰۰، ۳۰) لزوم رعایت حقوق بر جان و مال اشخاص، موضوع آیات و روایت فراوانی بوده و پیش از آن نیز عقل، نقض آن را بر نمی‌تابیده است. ولی به هر دلیلی ممکن است این حق در روابط اشخاص مورد تجاوز واقع شود و زیان‌دیده را متوسل به مراجع تظلم‌خواهی نماید.

بسیاری از زیان‌ها در نتیجه شکستن عهدی رخ می‌دهد که موضوع روابط قراردادی طرفین بوده است.

موضوع مقاله حاضر، بررسی فرضی است که با توجه به قواعد حاکم بر نهاد داوری، توافق‌نامه داوری، قابلیت اجراء ندارد و بدیهی است که باید به اصل اختلاف در دادگاه رسیدگی شود؛ ولی دادگاه بر اثر اشتباه در تحلیل مفاد بند داوری، همچنان قائل بر عدم صلاحیت دادگاه بوده و طرفین را ملزم در رجوع به نهاد داوری می‌داند. واضح است که این تصمیم موجب ورود دو ضرر به طرفین اختلاف است: ۱. سلب حق مراجعه اشخاص به مرجع عام تظلمات ۲. ارجاع حل اختلاف به مرجعی که علی‌رغم درج در قرارداد ولی به سبب مغایرت با قوانین، فاقد صلاحیت بوده و رأی صادره از جانب وی، رأیی است که به علت عدم صلاحیت مقام صادرکننده، از قدرت اجرایی برخوردار نیست و همیشه در معرض زوال است.

از سوی دیگر، اصرار مقام داوری در رسیدگی به این اختلاف و عدم اقدام بر اعلام فقدان صلاحیت خود (که همچنان مانع ارجاع اختلاف به دادگاه و بازگشت صلاحیت به این مرجع را در پی دارد)، عاملی دیگر در تضرر طرفین اختلاف است. وجود ماهیت دوگانه داوری (قضایی-قراردادی) که بر ماهیت نقش داور نیز سایه افکنده است موجب ضرورت تبیین پیچیدگی‌های ناشی از مسولیت مدنی هر یک از دادگاه یا داور است. چندان که در ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مسولیت مدنی داور به طور خاص پیشی بینی شده است. (تقی‌پور، ۱۳۹۲، ۵۸) با این حال پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مبانی پذیرش مسولیت مدنی داور در

نظام قضایی ایران چیست؟ همچنین در فرض پذیرش مسولیت مدنی داور نحوه توزیع آن در تقابل با تصمیمات دادگاه در فرض بطلان قرارداد ارجاع امر به داوری چیست؟

بنابراین رویکرد این تحقیق، تحلیل تقابل مسولیت مدنی دادگاه و داور در فرض ارجاع پرونده از سوی دادگاه به داور علی‌رغم عدم اعتبار قرارداد داوری است و سعی دارد با ترسیم مرز، این دو را از یکدیگر تفکیک نموده و به تشریح هریک بپردازد.^۱

۲_ قرارداد داوری بی‌اعتبار

قرارداد، توافق‌نامه یا بند داوری به توافقی گفته می‌شود که زمینه داوری را ایجاد می‌نماید. زمینه‌ای برای ارجاع اختلافات فعلی یا آینده به داوری در فصل آن (United Nations, 2005, p3).

قرارداد داوری بی‌اعتبار، در نهایت به معنای عدم قابلیت کاربرد آن است و این بی‌اعتباری را می‌توان در دو وضعیت خلاصه نمود: فرض نخست، حکایت از بطلان این قرارداد دارد که ضمانت‌اجرای تجاوز از موانع قانونی است. التزام تبعه ایرانی در قرارداد خود با تبعه خارجی در ارجاع اختلاف به داور هموطن تبعه خارجی، آن هم پیش از بروز اختلاف، یا انتخاب اشخاص ممنوعه مذکور در مواد ۴۶۶ و ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان داور و یا ارجاع دعاوی مندرج در ماده ۴۹۶ قانون مرقوم به داوری، به سبب ارتباط با نظم عمومی، مانع حاکمیت اراده اشخاص بوده و چنین قراردادی را در هر حال باطل و بی‌اعتبار ذاتی می‌گرداند. چه اینکه هر چقدر هم که در باب استقلال داوری و قدرت نوظهور آن اقامه دلیل شود با زهم نمی‌توان انکار کرد که رای داوری فقط در صورتی قدرت اجرایی دارد که متکی به قدرت دولت باشد. در واقع در نهایت این دادگاه است که به رای داور قدرت اجرایی می‌بخشد. (کریمی، پرتو، ۱۳۹۷، ۱۴۶)

دوم: گاه بی‌اعتباری قرارداد داوری، ناشی از بطلان آن نیست؛ بلکه توافق اراده طرفین، زمینه‌ای را فراهم آورده و در حد همین زمینه، دارای اعتبار بالقوه است ولی فعلیت و قابلیت اجراء یافتن آن محتاج انجام فعلی دیگر از ناحیه طرفین یا غیر است. ارجاع دعاوی عمومی و دولتی به داوری که نیاز به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی دارد، یا در فرض شایعی که در قراردادها و بندهای داوری ضمن معاملات، طرفین ارجاع اختلاف خود به داور را منوط به تعیین داور «مرضی الطرفین» کرده‌اند، از مصادیقی هستند که قرارداد داوری در حکم معدوم نیست و در عالم تکوین، به صورت موجودی ناقص، شکل گرفته؛ لیکن تکامل و اجرای آن منوط به فعل بعدی (تصویب دولت و اطلاع مجلس در مثال اول و لزوم تحقق تراضی طرفین در تعیین داور پس از بروز اختلاف در مثال دوم) است و اگر این شرط لازم اخیرالذکر به آن نپیوندد، هیچ‌گاه کامل نشده و بنابراین همچنان بی‌اعتبار باقی می‌ماند.

این تحقیق به طور مطلق تمام موارد بی‌اعتباری قرارداد داوری را دربر گرفته، ولی در عمل کمتر اتفاق می‌افتد که دادگاه‌ها در اجرای قواعد حاکم بر داوری، از بطلان ذاتی این قراردادها چشم پوشند یا در تشخیص آن دچار اشتباه شوند. یا دعاوی عمومی را بدون

^۱ مقصود از داوری در این تحقیق، منحصرأ داوری مذکور در باب هفتم قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است و سایر داوری‌ها از جمله هیأت داوری سازمان بورس موضوع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۴ به علت ماهیت اجباری بودن که برخلاف ذات اختیاری بودن داوری می‌باشد و داوری موضوع ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۲ به سبب ماهیت شکلی داشتن و نهایتاً داوری مذکور در قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۷۶ به سبب وضعیت ویژه خود، از شمول این تحقیق خارج هستند.

تصویب دولت و اطلاع مجلس، قابل ارجاع به داوری بدانند. چالش اصلی مبتلا به جایی است که در بند داوری، طرفین حل اختلاف خود را به داور مرضی‌الطرفین واگذار کرده‌اند بدون اینکه این داور یا داوران هنگام انعقاد قرارداد تعیین شده باشد. پس از چندی، اختلاف حاصل شده و متضرر، جهت الزام طرف مقابل به تعیین داور مرضی‌الطرفین به دادگاه مراجعه نموده و دادگاه نیز در نهایت اقدام به تعیین داور می‌نماید. این تصمیم بنا به ظاهر ماده ۴۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی صحیح به نظر می‌رسد ولی اتکاء به ظاهر، نقض حاکمیت اراده طرفین را منجر شده و برای شخص بدون اراده وی، ایجاد تعهد می‌نماید. (کریمی، پرتو، ۱۳۹۷، ۱۷۴) در پرونده به خواسته ابطال رأی داور، شعبه ۲۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۹۲۰۵۴۵ مورخ ۹۲/۰۵/۱۷ رأی که از چنین هیأت داورانی (که دادگاه از سوی شخص مستنکف از تعیین داور مرضی‌الطرفین، اقدام به تعیین داور نموده) صادر شده را صحیح تلقی نموده است ولی شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ضمن نقض دادنامه مزبور بیان نمود که: «...تعیین داور مرضی‌الطرفین بنا به درخواست شرکت تجدیدنظرخوانده توسط دادگاه صورت گرفته که ورود دادگاه به این موضوع، مغایر با قانون می‌باشد. بر اساس ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورت عدم تراضی به داور مرضی‌الطرفین، رسیدگی به اختلاف فقط از طریق محکمه میسر خواهد بود...»

تشتت آراء در این خصوص باعث گردید تا اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظر مشورتی شماره ۷/۹۷/۲۶۴۱ مورخ ۹۷/۰۹/۲۶ اعلام دارد: «در صورتی که در شرط داوری، رجوع به داور مرضی‌الطرفین قید شده باشد و طرفین به داور معینی تراضی ننمایند، با توجه به اینکه رجوع به داوری، مطلق نبوده بلکه مقید به تراضی طرفین بر شخص داور بوده است، بنابراین چنانچه تراضی ننمایند، با عنایت به ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.»

در فرضی که طرفین متعهد شده باشند حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود، به استناد همین تعهد، چنانچه در تعیین این داور تراضی نشود، دادگاه اقدام به تعیین داور خواهد نمود. ولی اگر در قرارداد ذکر شده باشد که حل اختلاف با داور مرضی‌الطرفین باشد، عیناً با همان قراردادی مواجهیم که در فوق، اعتبار آن را منوط به انجام فعل بعدی یعنی تراضی طرفین دانستیم.

در حقوق انگلستان، نخستین شرط نفوذ یک توافق داوری، امکان ارجاع اختلاف به داوری، از سوی هر دو طرف آن است. سلب این حق از هریک از طرفین موجب بی‌اعتباری آن توافق است. (Ustinov, 2005, p12)

همچنین بند داوری متضمن احاله به قانون کشور مشخص که از احکام اجباری اتحادیه اروپا تبعیت نمی‌کند، بندی باطل خواهد بود و طرفین را مستحق مراجعه به دادگاه برای رفع اختلاف خواهد گرداند. (Davies, 2015, p11)

گاه اتفاق می‌افتد که یکی از طرفین قرارداد با هدف استنکاف از شرط داوری مندرج در آن، به بی‌اعتباری قرارداد استناد کرده و بر همین اساس، این بند را که به عنوان یکی از مندرجات آن قرارداد بوده را باطل و غیرقابل اجراء معرفی و جهت حل اختلاف، به

۱. به نقل از وب‌گاه بانک آرای قوه قضائیه: <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=ZEs1OHhaOEJvTHM9> تاریخ مراجعه: ۹۹/۰۱/۲۰.

۲. اتحادیه اروپا دستوراتی صادر می‌کند که به وسیله قوه مقننه کشورهای عضو، اقتباس می‌شود. این دستورات به چهار بخش تقسیم می‌شوند: قانون، رهنمود، حکم و توصیه. بالاترین دستور، قانون است و به همان شکل در کشورهای عضو، قابل اجراء است. به نقل از:

تاریخ مراجعه: ۹۹/۰۱/۱۵ <https://europarlamenti.info/pe/European-union/how-the-EU-works/>

دادگستری مراجعه می‌نماید. سؤالی که احتمالاً در این فرض مطرح می‌شود، چنین است که آیا بند داوری، همانند سایر مفاد، از اعتبار یا عدم آن قرارداد، تأثیر پذیرفته و بنابراین در صورت بی‌اعتباری قرارداد، قدرت اجرایی خود را از دست می‌دهد؟ در قانون آیین دادرسی مدنی ایران در این رابطه سکوت شده و این تردید را ایجاد می‌نماید که چنین توافقی را در هر حال تابع حقوق قراردادها بدانیم و بی‌اعتباری قرارداد را متضمن زوال توافق داوری ضمن آن بدانیم. اگر چنین باشد، چه بسا در جهت اطلاع دادرسی و عدم تمایل بر احقاق حق، پیش‌بینی می‌شود که متعهد مستنکف را در هر زمان که با درخواست اجرای بند داوری در فصل خصومت مواجه می‌شود، ناگزیر از مراجعه به دادگاه در اعلام بی‌اعتباری قرارداد بدانیم و از این گذر، یا موفق به اعلام بطلان قرارداد و متعاقباً بند داوری شده و یا تا تعیین تکلیف آن، داور را از ورود به ماهیت اختلاف برحذر دانسته و تعیین تکلیف اختلاف را تا سرحد ممکن به تأخیر خواهد انداخت.^۱ بر همین اساس حقوق بسیاری از کشورها بر رابطه بین سایر مفاد قرارداد و بند داوری ضمن آن، وصف استقلال زده و از آن در حقوق انگلستان با عنوان «جدایی‌پذیری» و در فرانسه «استقلال بند داوری» یاد کرده‌اند (Samuel, 2010, p2). ولی از این خصیصه به طور کلی به اصل «استقلال‌پذیری بند داوری» یاد می‌شود. این اصل بیان می‌دارد که مرجع داوری می‌تواند در حوزه اختیار خود به هر موضوعی از قبیل وجود یا اعتبار قرارداد داوری رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. بی‌اعتباری قرارداد، به طور خودکار به بند داوری ضمن آن سرایت نمی‌کند مگر اینکه خود توافق داوری، از تقلب یا عدم رضایت طرفین^۲، تأثیر پذیرد. بند ۱ ماده ۱۶ قانون نمونه آنسیترال^۳ در داوری بین‌المللی صراحتاً اعلام می‌دارد که: «بند داوری مذکور در قرارداد باید به عنوان یک قرارداد مستقل از سایر مفاد قرارداد در نظر گرفته شود. هر تصمیم داور در بی‌اعتباری قرارداد، مستلزم زوال بند داوری ضمن آن نیست.» بند ماده ۱۰۴۰ قانون داوری آلمان^۴ نیز با الهام از این اصل، هر چالش قرارداد اصلی را بی‌اثر بر بند داوری آن می‌داند و ماده ۷ قانون داوری انگلستان^۵ جز در صورت توافق طرفین، بی‌اعتباری یا عدم نفوذ قرارداد اصلی را قابل سرایت به بند داوری آن نمی‌داند. تمام این قوانین در صدد تقویت صلاحیت داوران بوده‌اند.^۶

۳_ مسؤلیت مدنی دادگاه

لزوم حفظ بی‌طرفی و صدور رأی عادلانه توسط قضات، عامل معکوس نمودن این جریان می‌باشد. به عبارت دیگر، انجام وظایف شغل خطیر قضات، مستلزم فراهم آمدن اسبابی چند است. شاید مهم‌ترین آنها که در واقع تضمین‌کننده قدرت عمل قاضی است را بتوان مصونیت وی از مسؤلیت مدنی ناشی از رسیدگی و صدور رأی خود دانست. این تدبیر چنان مهم بوده که تمام نظام‌های

^۱ به همین علت، ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۷۶ اقدام به اعطای صلاحیت به داور در اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت نموده است که طل آن وی می‌تواند در خصوص صلاحیت خود وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری اتخاذ تصمیم کند و تصمیم داور درباره بطلان یا ملغی‌الاثربودن قرارداد فی‌نفسه به منزله عدم اعتبار شرط داوری مندرج در آن قرارداد نیست.

^۲ Separability.

^۳ Autonomie de la Compromissoire.

^۴ Principle of Separability of the Arbitration Clause.

^۵ به عنوان مثال اگر در ضمن عقد بیعی، طرفین توافق کرده باشند که کلیه اختلافات آنها در خصوص آن قرارداد جهت رسیدگی، به داوری ارجاع شود و متعاقباً خریدار، مبیع را به دیگری انتقال دهد، منتقل‌لیه، ملزم به شرط داوری نیست زیرا داوری، قائم به طرفین قرارداد داوری می‌باشد.

^۶ UNCITRAL Model Law on International Arbitration.

^۷ Germany Arbitration Act 1998.

^۸ U.K Arbitration Act 1996.

^۹ https://www.trans-lex.org/969000/_/principle-of-separability-of-the-arbitration-clause/ (Visited: 04/15/2020.)

حقوقی در تدوین قوانین حاکم بر رفتار قضات، آن را برای تأمین حداکثری استقلال وی، پیش‌بینی و از آن با عنوان دکترین مصونیت قضات یاد نموده‌اند. چه این که با توجه به اهمیت منصب قضا و پر خطا بودن آن، قواعد مسولت مدنی بر اعمال قضات حاکم نیست. زیرا در این صورت قاضی در برابر دعاوی زیادی قرار می‌گیرد که در آن تصور اهمال و وظیفه یا ارتکاب خطا وجود دارد. بنابراین لازمه حرفه قضاوت آن است که از مصونیت نسبی برخوردار باشند. (صفایی و راضی، ۱۳۹۸، ۱۳۳)

مصونیت قضات از دعاوی مسئولیت مدنی، نخستین بار توسط دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۱۸۶۸ میلادی معرفی گردید. این مصونیت، برگرفته از دکترین مصونیت دولت است که به موجب آن دولت، سازمان‌ها و اشخاص وابسته به آنها، قابل تعقیب نیستند. ریشه این اصل برگرفته از انگلستان قدیم است؛ جایی که معتقد بودند پادشاه هیچ خطایی مرتکب نمی‌شود.^۳

دکترین مصونیت قضات بیان می‌دارد که خسارت وارده احتمالی بر اثر اجرای وظایف در حوزه قضایی، مطلقاً مصونیت قاضی از پرداخت خسارت را به همراه دارد و اقدامات قضایی وی هرچقدر هم که زیان‌زننده باشد، موجبی برای مسئولیت نخواهد بود. اگر بتوان قاضی را خوانده دعاوی مسئولیت مدنی قرار داد، منجر به قضاوت ایشان توسط قاضی دیگری می‌شود که صداقت دادگاه‌ها را زیر سؤال برده و اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند.^۴

با این حال، حقوق هیچ‌گاه از اخلاق جدا نبوده و حمایتی برای بدخواهان فراهم نکرده‌است. پس چنانچه عملکرد قاضی توأم با سوءنیت بوده، فاسد یا خارج از مدار بی‌طرفی و تجاوز به آزادی مشروع اشخاص و خودسرانه باشد در قبال آن مسؤل خواهد بود. یا اگر عامدانه و با خدعه، خارج از صلاحیت قضایی خود عمل نماید، باید پاسخگوی آن باشد.^۵

مهم‌ترین قاعده در تشریح مسئولیت مدنی قضات در حقوق ایران، اصل ۱۷۱ قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیراین صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.» نکته نهفته در این اصل، لزوم جبران خسارت ناشی از تعدی به حقوق زیان‌دیده است (داورنیا، ۱۳۸۵: ۱۴۷). امری که حتی در نظام‌هایی که مسئولیت مطلق را شناسایی کرده‌اند، مغفول نمانده‌است. بنابراین حقوق ایران اگرچه با تفکیک اشتباه و تقصیر، مصونیت مطلق را نپذیرفته؛ لیکن قضات را در فرض تقصیر، شخصاً مسؤل عمل خود قرار داده‌است.

اگر دعاوی الزام طرف مستنکف، به تعیین داور، در دادگاه مطرح شود و او منکر وجود موافقت‌نامه داورى یا اعتبار آن باشد، به حکم ماده ۴۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه مکلف است ابتدا به این ادعا رسیدگی و درخصوص آن اظهارنظر کند و در صورت حصول یقین به اعتبار و قدرت اجرایی توافق داورى، نسبت به تعیین داور اقدام نماید. بدیهی است که عدم رعایت شرط فوق، یعنی

^۳Judicial Immunity.

^۴Sovereign Immunity.

^۵<https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/Sovereign+Immunity> (Visited: 05/12/2020.)

^۶<https://law.jrank.org/pages/7883/Judicial-Immunity-SHOULD-JUDGES-HAVE-ABSOLUTE-OR-QUALIFIED-IMMUNITY.html> (Visited: 04/12/2020.)

^۷<https://www.law.cornell.edu/constitution-conan/article-3/section-1/judicial-immunity-from-suit> (Visited: 04/10/2020.)

خودداری از اظهارنظر در خصوص بقای یا عدم اعتبار قرارداد داوری، و صدور رأی به تعیین داور علی‌رغم عدم اعتبار آن توافق‌نامه می‌تواند حسب مورد، تخلف «استنکاف از رسیدگی» یا «اهمال در انجام وظایف محوله» و یا «صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل» باشد.

این تخلف حسب مورد ناشی از اشتباه یا تقصیر است؛ پس نخستین رکن مسوئیت مدنی فراهم است؛ در غیر این صورت سخن از مسوئیت دادگاه در جبران خسارت اصحاب دعوی منتفی می‌باشد. به عبارت دیگر، بین تخلف انتظامی و تقصیر، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ یعنی بعضی تخلفات مانند عدم امضای صورتجلسات، تقصیر نیستند و برعکس، تمام تقصیرها نوعی تخلف نیز محسوب می‌شوند. (حافظی، ۱۳۹۲: ۳۲)

تجاوز از اصول فنی ثابت و نظامات اصلی شغل، خطای فنی هستند. یکی از اصول فنی شغل قضاوت، تکلیف دادگاه‌ها در رسیدگی و صدور رأی است. اصلی که نزد رجال فنی، مورد مناقشه نیست و بدان تسلیم‌اند (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۵). در نتیجه اگر صلاحیت دادگاه را از یک سو، اختیاری بدانیم که این مرجع به موجب آن می‌تواند به دعوی رسیدگی و حکم صادر کند؛ سلب آن از سوی این مرجع، از سوی دیگر، نقض تکلیف رسیدگی را موجب شده و استنکاف از احقاق حق لقب خواهد گرفت. (گلدوست، اشرافی، ناظریان، ۱۳۹۱: ۴) (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۴: ۱۵)

ماده ۱۹۸۳ قانون دادرسی مدنی ایالات متحده بیان نیز می‌دارد: «هر شخصی تحت هر قانون، آیین‌نامه و آداب و رسوم، یکی از اتباع ایالات متحده و یا شخصی که در قلمرو سرزمینی آن مقیم است را از حقوق، امتیازات و مصونیت‌های مذکور در قانون اساسی یا قوانین عادی محروم یا اسباب محرومیت ایشان را فراهم سازد، در مقابل شخص زیان‌دیده در دعوی که به خواسته جبران خسارت وارده اقامه شود، مسؤل خواهد بود...»

۴_ مسوئیت مدنی داور

سپردن حل اختلاف به داور، قدمتی بیشتر از وضع قواعد حقوقی و تأسیس دادگاه‌ها دارد. پذیرش نهاد داوری به عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات و صدور رأی که از سال ۱۲۸۹ شمسی در مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ قانون اصول محاکمات حقوقی پیش‌بینی شده بود، به معنای تخصیص صلاحیت به مرجعی است که در صورت حصول توافق اراده طرفین، قادر است از محاکم دادگستری، سلب صلاحیت نموده و هم‌عرض آن واقع شود.

معمولاً مسوئیت مدنی داور را در فرض تأخیر یا عدم رسیدگی و یا صدور رأی دور از واقع بررسی می‌نمایند ولی در این مبحث به دنبال تحلیل ضمانتی از داور هستیم که پس از ارجاع اختلاف از سوی دادگاه به وی علی‌رغم بی‌اعتباری توافق‌نامه داوری، تصور شده و به محض قبول سِمَت و آغاز رسیدگی فرآیند داوری، محقق می‌شود. درنهایت به تحلیل تقابل این دو مسوئیت مدنی بین دادگاه و داور خواهیم پرداخت.

^۱ موضوع بنده ماده ۱۶، بنده ۸ ماده ۱۴ و بنده ۱ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۲.

پیش از شرح مسئولیت مدنی داور، نخستین موضوعی که در این رابطه به ذهن می‌رسد، چنین است که آیا داور نیز در مقام رسیدگی، در صورت ورود خسارت به اصحاب دعوی، از امتیاز اصل ۱۷۱ قانون اساسی و آن‌گونه که در حقوق بسیاری از کشورها با عنوان دکترین مصونیت قضات جاری است، بهره‌مند می‌گردد یا خیر؟

در باب مسئولیت مدنی داور، رویه متحدی وجود ندارد و علت آن هم به طبیعت این نهاد بازمی‌گردد؛ زیرا از یک سو وی در حال انجام مسئولیتی قضایی است و از سوی دیگر زائیده قرارداد بوده و قدرت خود را از آن گرفته‌است. به همین دلیل، مسئولیت مدنی داور باید در قبال نقض تعهدات مرتبط با وظیفه قضایی وی و یا سرپیچی از تعهدات قراردادی بررسی گردد.

۴_۱. مسئولیت مدنی داور در انجام وظایف قضایی

کشورهای پیرو نظام کامن‌لا مانند انگلستان، ایالات متحده و استرالیا با هدف یکسان دانستن نقش داور با دادرسی، بر مبنای سبک کردن بار سنگین پرونده‌های در انتظار رسیدگی، در صدد تعمیم دکترین مصونیت قضات به داوران برآمده‌اند (میننجر، میرفخرایی، ۱۳۷۰: ۲۴۷). در حالی که کشورهای دنبال‌کننده حقوق نوشته مثل ایتالیا، فرانسه و اتریش، تأکید بر رابطه قراردادی فی‌مابین داور و طرفین اختلاف داشته و مسئولیت مدنی او را در چارچوب قواعد حقوق قراردادها تحلیل می‌نمایند.

از سال ۱۹۲۰ هم‌زمان با افزایش مراجعه به داور در فصل خصومت، دکترین مصونیت داوران نیز در سطح قوانین ایالتی و فدرال ایالات متحده متعاقب مقایسه داور با قضات، مطرح شد و چنین استدلال نمودند که چون داور در انجام وظایف خود، عمل شبه‌قضایی را ایفاء می‌نماید، پس شایسته معافیت از مسئولیت مدنی است (Roitman, 2006, p5). همین رویه در اصلاح قانون متحدالشکل داوری سال ۲۰۰۰ ایالات متحده رسوخ و در ماده ۱۴ بیان شده: «هر داور یا سازمان داوری که در آن زمینه عمل می‌نماید، به همان اندازه که قاضی در صلاحیت خود اقدام می‌کند، از مسئولیت مدنی مصون است.» این ماده در بند ث به دادگاه‌ها اختیار داده تا هر شخصی که در این محدوده، داور را طرف دعوای مسئولیت مدنی قرار دهد، علاوه بر رد آن دعوی، طرح‌کننده را نیز به پرداخت خسارات دادرسی داور محکوم سازند.

ماده ۲۹ قانون داوری مصوب ۱۹۹۶ انگلستان به مصونیت داوران اختصاص یافته و مقرر می‌دارد: «داور هیچ مسئولیتی در قبال آنچه به عنوان داور یا آنچه ادعا می‌شود که به عنوان وظایف داوری انجام داده یا از آن غفلت نموده، ندارد؛ مگر آنکه این فعل یا ترک توأم با سوءنیت باشد.» این بند با همین کیفیت، حتی شامل کارمند داور نیز می‌شود. ولی این مصونیت، خساراتی که در اثر استعفای داور به بار آمده را دربر نمی‌گیرد.

همین حکم در ماده ۷۴ قانون مزبور، در خصوص مؤسسات داوری که اشخاص، آنها را در قرارداد خود به عنوان مرجع حل اختلاف تعیین می‌کنند می‌گردد.

^۱Arbitral Immunity.

^۲U.S Uniform Arbitration Act 2000.

کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته تأکید بر رابطه قراردادی بین داور و طرفین دارند. قانون داوریِ کشور اسپانیا در ماده ۲۱، داور را مسؤل جبران خسارات ناشی از سوءنیت، تقلب و غفلتِ خود می‌داند. قانون داوی اتریش نیز در ماده ۵۹۴، داور را در صورت تأخیر در انجام وظایف مسؤل جبران تمام خسارات ناشی از این امتناع یا تأخیرِ عامدانه قرار می‌دهد.

در کشور فرانسه علی‌رغم پیروی از نظام حقوق نوشته، هیچ بندی در خصوص مسؤلیت داور، از قواعد حقوق قراردادها قابل استخراج نیست. دادگاه‌ها این مسؤلیت را محدود کرده، داوران را بهره‌مند از مصونیت قضات دانسته‌اند و آنها را صرفاً به سبب خطای شخصی که حکایت از تقلب داشته، سهل‌انگاری و انکار عدالت، مسؤل می‌دانند.

با وجود شناساییِ مصونیت‌های مطلق داوران به ویژه در کشورهای کامن‌لا نباید از محدودیت‌های وارد بر این دکترین چشم پوشید و در هر حال داوران نمی‌توانند از مسؤلیت نقض ارادیِ وظایف اساسی قضاییِ خود مبرا باشند. حتی در ایالات متحده به عنوان یکی از طرفداران این دکترین، تصمیمات دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که این اصل، دستخوش استثنائات چندی شده و تقلب، عدم صدور رأی در زمان مقرر یا سوءرفتار را شامل نمی‌گردد. قانون داوری انگلستان در دو فرض، داور را مسؤل دانسته است: ۱. استعفای غیرمنطقی و ۲. سوءنیت. بدخواهی در مفهوم غرض‌ورزی و تمایل بر ورود خسارت به دلایل نامناسب و قبول داوری و صدور رأی با علم به فقدان صلاحیتِ داوری، از مصادیقِ سوءنیتِ مذکور در بند ۲ هستند. این فرض اخیر، موردی که داور به علت سایر تعهدات و مشغله‌ها علم به عدم امکان خود در صدور رأی در زمان مقرر دارد را نیز پوشش می‌دهد.

بنابراین تفاوت‌هایی که در نگاه اول، قابل توجه به نظر می‌رسید، در عمل چندان بزرگ نیست. علی‌رغم نقطه شروع متفاوت، اکثر نظام‌های حقوقی در رابطه با مسؤلیت داور در انجام اعمال قضایی به نتایج مشابهی رسیده‌اند. کشورهای کامن‌لا کاربرد مصونیت قضات را محدود کرده‌اند و از سوی دیگر کشورهای حقوق نوشته، مسؤلیت قراردادیِ گسترده را از طریق تفسیر قانونی مبتنی بر شباهت‌های وظایف آنها با قضات، محدود ساخته‌اند. (Cevc, 2012, p409)

در خصوص مسؤلیت مدنی داوران، ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران، ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسؤل جبران خسارت وارده خواهند بود.» سیاق نگارش ماده تفاوت آشکاری با اصل مربوط به قضات در قانون اساسی دارد و بین اشتباه، تقصیر و قصور فرقی قائل نشده است.

اگر اعطای مصونیت از مسؤلیت به قضات را ملاکِ آسودگی خاطر آنها در رسیدگی و حفظ بی‌طرفی بدانیم، باید به تنقیح مناظ تمسک جسته و تقصیرِ مذکور در ماده ۵۰۱ را با مفهوم آن در اصل ۱۷۱ منطبق تلقی نماییم؛ بدین شرح که مسؤلیت داور را فقط در فرض سر زدنِ عمدیِ خطا و سوءنیت، محقق بدانیم. (مافی، حسینی مقدم، ۱۳۹۳: ۹۶)

بنا به مقدمه فوق، با وجود بی‌اعتباریِ قرارداد داوری، در صورت ارجاع اختلاف به داور از سوی دادگاه، دو وضعیت قابل تصور است: ۱. استعفای داور به سبب فقدان صلاحیت. بدیهی است که این استعفاء در حقوق ایران به طور مطلق، موجبی برای تحقق

۱. Spain Arbitration Act 2003.

۲. Austrian Arbitration Act 2013.

مسئولیت مدنی دانسته نشده و طبق حقوق کشورهای که استعفای غیرمنطقی را موجب مسئولیت داور اعلام نموده‌اند نیز، غیرمنطقی محسوب نشده و بنابراین مسئولیت مدنی داور محقق نخواهد شد.^۲ قبول سمت، شروع به رسیدگی و صدور رأی. اگر چنین شده و در نهایت داور از سوی دادگاه، برخلاف قانون تعیین گردد، چنین معنا می‌دهد که رسیدگی به اختلاف، به یک مرجع غیرصالح واگذار شده‌است. صدور رأی از چنین مرجعی، نخستین عامل بی‌اعتباری آن قلمداد می‌شود. این وضعیت از سوی معترض به تصمیم دادگاه در ارجاع اختلاف به داور، موجب عدم همکاری با داور بوده و رأی داور را هم در هر حال در معرض ابطال قرار می‌دهد. چه هر طرفی که رأی را به سود خود ببیند، بی‌اعتباری توافق داوری را مستمسک قرار داده و از آن می‌گریزد. بنابراین دوری باطل شکل می‌گیرد. یک تصمیم شایسته دادگاه در بررسی توافق داوری و احراز بی‌اعتباری آن، این حجم سردرگمی و اطاله را سد خواهد نمود. شخص منکر موافقت‌نامه داوری یا اعتبار آن باید به عنوان آخرین حربه، حق ایراد به صلاحیت داور را نزد همین مرجع داشته باشد و داور مکلف است پیش از رسیدگی به اختلاف، طبق قاعده «صلاحیت نسبت به صلاحیت» درخصوص صلاحیت خود رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. (شمس، ۱۳۸۲: ۲۹)

در ایالات متحده، شرکت مدرن پایپینگ^۱ (شرکت) و دانشگاه آیووا^۲ (دانشگاه) دو قرارداد ساخت‌وساز با یکدیگر منعقد نمودند و در هر دو بند داوری قید شده بود. سپس اختلافاتی سرگرفت و شرکت حل آنها را از مرجع داوری مذکور در قراردادها یعنی انجمن داوری آمریکا درخواست کرد. دانشگاه اقدام به اعتراض به صلاحیت داور نموده و از دادگاه منع آن انجمن از رسیدگی را تقاضا نمود. ولی دادگاه رأی به صلاحیت مرجع داوری داد و این مرجع پس از رسیدگی، رأی صادر نمود و دانشگاه مدعی ورود خسارت به خود شد. دادگاه در رسیدگی به این شکایت، دکترین مصونیت داوران را مورد استناد قرار داد که مقرر می‌دارد این اشخاص از مسئولیت اعمال خود در محدوده صلاحیتشان و تمام اقدامات مرتبط با فرآیند داوری معافند. این مصونیت حتی تا مرز معافیت دست‌اندرکاران اجرای رأی داوری نیز گسترش می‌یابد.^۴

۲-۴. مسئولیت مدنی داور در رابطه قراردادی با طرفین

در محدوده صلاحیت قضایی خود، دانستیم که داورها از مواجهه با دعوای خسارات به بار آمده در نتیجه خطا و اشتباهشان مصون هستند و ادعای جبران خسارت نباید به محتوای رأی تسری یابد. پس تنها راه پیش‌رو در مسؤل دانستن داور، یا اثبات نقض اساسی وظایف قضایی وی یا مراجعه به مبنای قراردادی صلاحیت داور است. فارغ از نقش ایشان، باید قائل بر این حقیقت باشیم که داورها در ازای دریافت مبلغی، حاضر به ایفای وظایف داوری می‌شوند. پس هر قصوری در انجام این تعهد، نقض قرارداد تلقی خواهد شد. مثل تمام ارائه‌دهندگان خدمت، داورها نیز تحت حقوق قراردادهای بابت نقض عمده تعهدات، مسؤل می‌باشند. در نظام

^۱Modern Piping Inc.

^۲University of Iowa.

^۳American Arbitration Association (AAA.)

^۴<https://www.jdsupra.com/legalnews/the-doctrine-of-arbitral-immunity-57465/> (Visited: 04/12/2020.)

حقوقی ایران داور اساساً به عنوان یک کارشناس حرفه ای تلقی می کند که باید مسولیت خطاها و تخلفات خود را بپذیرد. پیرا داور هم قاضی است و هم در داوری ایفاء نظر می کند. (میر فخرایی، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

وظایف قراردادی داورها: ۱. داور باید جریان رسیدگی را منصفانه، مستقل و بی طرفانه پیش برد، برخورد برابر با طرفین داشته و ضمن احترام به حقوق آنها، اظهاراتشان را استماع نماید. ۲. انجام وظایف داوری در چارچوب مهلت های قانونی و قراردادی. داور باید تعهدات خود را با دقت و به موقع ایفاء نماید. اگر ایشان پس از انقضای مهلت، تقاضای تمدید نکند، رأی صادره خارج از موعد، با ضمانت اجرای ابطال مواجه است. ۳. داور ملزم است کلیه اقدامات خود را تا صدور رأی ادامه دهد و نمی تواند بدون سبب قانونی استعفاء دهد. ۴. داور وظیفه حفظ محرمانگی دارد.

ذکر این نکته ضروری است که در توافقی های داوری به ویژه آنهایی که یک مرکز داوری به عنوان مرجع حل اختلاف تعیین می شود، معمولاً شروط عدم مسولیت درج می گردد. این مراجع در هر صورت دنبال سلب مسولیت از خود تحت هر شرایطی می باشند. این شرط اگرچه به طور کلی و بر مبنای اصل آزادی قراردادهای صحیح است ولی خطری برای کوتاهی در انجام تعهدات قراردادی و عدم امکان مطالبه خسارت از سوی مستنکف است، (نکوئی، ۱۳۹۳: ۲۵۴) بنابراین قوانین کشورها، تقصیرهای عمدی، سنگین (در حکم عمد) و خسارات وارده به جسم و شخصیت انسان را از شمول این شروط خارج ساخته و براءت از چنین مسولیت هایی در قرارداد را مغایر با نظم عمومی دانسته اند. به عنوان مثال طبق بند ۱ ماده ۱۰۰ قانون تعهدات سوئیس، مسولیت قصد غیرقانونی یا قصور فاحش، قابل اسقاط از پیش نیست. (Cevc, op.cit, pp417-418)

در فرضی که داور علی رغم عدم اعتبار توافقی داوری، اعلام عدم سمت یا استعفاء ننموده و اقدام به رسیدگی کرده است، مسولیتی قراردادی علیه وی از باب وظیفه داوری، متصور نخواهد بود، چرا که این توافقی، از ابتدا کان لم یکن بوده و اثر حقوقی نیافته است.

نتیجه گیری

یک قرارداد داوری بی اعتبار، نافی صلاحیت دادگاه در رسیدگی به اختلاف موضوع توافقی مزبور نیست. بنابراین در صورت ارجاع دعوا به این مرجع، موظف است ابتدا اعتبار توافقی را بررسی نماید. حال اگر دادگاه در تشخیص آن دچار تقصیر یا اشتباه گردد؛ نتیجه، ارجاع اختلاف به داور ناصالح بوده و رأی صادره نیز بالتبع، قابل ابطال می باشد. از سوی دیگر اگرچه داور طبق قانون آیین دادرسی مدنی از حق بررسی اعتبار قرارداد داوری برخوردار نیست، لیکن حق قبول یا رد سمت داوری را دارد و می تواند به جهت احتراز از تحقق مسولیت مدنی برای خود، اعتبار قرارداد را بازجویی نموده و آن را رد نماید. چنانچه قبول، رسیدگی و صدور رأی نماید، این رأی از سوی محکوم علیه قابلیت ابطال داشته و از آن لحظه به بعد، حق اقامه دعوی جبران خسارت علیه دادگاه و این داور برای آن شخص وجود دارد و تقابل این دو مسولیت رخ می دهد. اگرچه تمام کشورها به نوعی مصونیت از مسولیت را برای این دو مقام رسیدگی در نظر گرفته اند، اما این نهاد در قبال دادگاه به سبب محروم کردن اشخاص از حق اساسی مراجعه به محاکم، به کار نرفته و نسبت به داور نیز به جهت فقدان دارا بودن وصف «داور» به علت بی اعتباری توافقی موکد آن، کارایی نداشته و این دو

مرجع به تناسب عمل خود و نقشی که در ورود زیان به اصحاب دعوا داشته‌اند، مسؤل می‌باشند. بنابراین مسؤلیت هیچ‌یک، نافی مسؤلیت دیگری نیست و به نوعی شرایط تعریف تعدد اسباب در ورود زیان فراهم است. متنها این تعدد اسباب به صورت طولی بوده و هر عمل، بخشی از زیان را موجب شده‌است. به بیان دیگر، هریک از دو عامل دادگاه و داور، یک سبب به معنای واقعی و فلسفی آن محسوب می‌شوند؛ یعنی از وجود آنها، وجود زیان و از عدم آنها عدم زیان تصور می‌رود. در نتیجه دادگاه از لحظه رسیدگی خود (و تشخیص اعتبار توافق‌نامه در اصل بی‌اعتبار) و صدور قرار عدم استماع دعوا به صلاحیت داور تا لحظه قبول سمت از سوی داور (ناصالح) خساراتی را که به ویژه در چهره مالی معاملات و نرخ تورم حاصل می‌شود، مسؤل بوده و داور نیز از هنگام قبول سمت داوری تا لحظه صدور رأی داوری، مسؤل جبران خسارات وارده به زیان‌دیده خواهند بود. و نکته پایانی آنکه طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی اگر این فعل و انفعال‌ها در نتیجه اشتباه قاضی رخ داد باشد که با توجه به ابهام مقررات داوری مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی و عدم شناخت کافی نزد عموم در فصل خصومت از طریق این نهاد، چندان دور از ذهن نیست، خسارت به وسیله دولت جبران شده و چنانچه منشأ این خسارات، تقصیر قاضی باشد، در نهایت منجر به استقرار مسؤلیت بر ذمه وی خواهد گردید.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. حافظی، فرزانه، چگونگی جبران خسارت ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، شهریور ۱۳۹۲.
۲. داورنیا، رحیم، مسؤلیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۷، زمستان ۱۳۸۵.
۳. شمس، عبدالله، موافقت‌نامه داوری و صلاحیت دادگاه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۲.
۴. صالحی مازندرانی، محمد، تأملی بر مسؤلیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مجله فقه و حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۴.
۵. صفایی، سیدحسین، راضی، سپیده، مسولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹.
۶. کریمی، عباس، پرتو حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، تهران، چاپ پنجم، انتشارات دادگستر، سال ۱۳۹۷.
۷. تقی پور، بهرام، مسولیت داور در حقوق ایران و برخی کشورها، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۱۳۹۳.
۸. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی و هشتم، تهران، ۱۳۸۳.
۹. گلدوست جویباری، رجب، محمود، اشرافی، حسین، ناظریان، صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۱۰. مافی، همایون، حسن، حسینی مقدم، مفهوم و قلمرو مسؤلیت مدنی داوران، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۲، ۱۳۹۳.
۱۱. نکوئی، محمد، مصادیق بطلان شرط عدم مسؤلیت (مطالعه تطبیقی)، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.
۱۲. هاوزس مینجر، کریستین، محمدجواد، میرفخرایی، مسؤلیت مدنی داوران، مطالعه‌ای تطبیقی همراه با پیشنهادهای اصلاحی، مجله حقوقی بین‌المللی (دو فصلنامه علمی)، دوره ۱۱، شماره ۱۵-۱۴، زمستان ۱۳۷۰.

قوانین داخلی:

۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹.
۱۵. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۴.
۱۶. قانون حمایت خانواده مصوب ۹۲.
۱۷. قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۷۶.
۱۸. قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۹۲.

۱۹. Baron VS Sunderland Corp (1966,) Ustinov, L, Unilateral Arbitration Clauses: Legal Validity, Tilburg University, 2005.
۲۰. Cevc, A, Civil Liability of Arbitrators, hrcak.srce.hr, 2012.
۲۱. Davies, K, Is an arbitration agreement “null, void” or “inoperative” if it applies a foreign law which does not give effect to mandatory principles of EU law? , Kluwer Arbitration Blog, 16 June 2015.
۲۲. Roitman, s, Beyond Reproach: Has the Doctrine of Arbitral Immunity Been Extended too far for Arbitration Sponsoring Firms? , https://www.bc.edu/content/dam/files/schools/law/bclawreview/pdf/51_2/06_roitman.pdf.
۲۳. Separability of Arbitration Clauses, Some Awkward Questions about the Law on Contracts, Conflict of Laws and the Administration of Justice, Samuel, A, British Council, 2010.

قوانین خارجی:

۲۴. Austrian Arbitration Act 2013.
۲۵. Germany Arbitration Act 1998.
۲۶. Spain Arbitration Act 2003.
۲۷. Swiss Code of Obligations.
۲۸. UNCITRAL Model Law on International Arbitration.
۲۹. U.K Arbitration Act 1996.
۳۰. U.S Civil Rights Lawsuits Law.
۳۱. U.S Uniform Arbitration Act 2000.

منابع اینترنتی:

۳۲. https://www.trans-lex.org/969000/_/principle-of-separability-of-the-arbitration-clause/.
۳۳. <https://legal-dictionary.thefreedictionary.com/Sovereign+Immunity>.
۳۴. <https://law.jrank.org/pages/7883/Judicial-Immunity-SHOULD-JUDGES-HAVE-ABSOLUTE-OR-QUALIFIED-IMMUNITY.html>.
۳۵. <https://www.law.cornell.edu/constitution-conan/article-3/section-1/judicial-immunity-from-suit>.

۳۶. <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=ZEs1OHhaOEJvTHM9>.
۳۷. <https://europarlamenti.info/pe/European-union/how-the-EU-works/>.
۳۸. <https://www.jdsupra.com/legalnews/the-doctrine-of-arbitral-immunity-57465/>.